نگاهی به ویژگی های معنوی استاد مطهری

پدید آورنده : عبدالکریم پاک نیا ، صفحه 10

اشاره

مردان بزرگ در طول تاریخ با گام های استوار خود سنگلاخ مسیر تکامل را هموار ساختند و از گردنه های هول انگیز و خطرناک آن عبور کردند و پرچم کرامت و عزّت انسانی را بر فراز قلّه های ایمان و دانش به اهتزاز در آوردند.

استاد مطهری از معدود عالمانی است که علم و حکمت و عرفان را به هم آمیخته و از وجود خویش چهره ای نورانی و تابناک برای جامعه ظلمت زده زمان خود ساخت. شناخت ابعاد شخصیت این شهید آگاه و مرد اندیشه و عمل برای تمام دین داران، آزاد مردان و به ویژه نسل جوان سازنده و حرکت آفرین است.

آشنایی اجمالی

استاد شهید مرتضی مطهری، فرزند شیخ محمد حسین مطهری در 13 بهمن 1298 ه . ش. در شهرستان فریمان در یک خانواده اصیل روحانی متولد شد.

او در 12 سالگی جهت فراگیری علوم اسلامی عازم مشهد مقدس شد. مطهری در مدت پنج سال اقامت خود در مشهد دروس مقدماتی و ادبیات عرب را با جدیت تمام فرا گرفت.

عشق به تکمیل تحصیلات، آموختن فلسفه الهی و عرفان اسلامی او را در سال 1319 به حلقه شاگردان فقیه عالی قدر و عالم ربانی حضرت امام خمینی «ره» در قم کشانید.

او در سال 1323 در درس آیت الله العظمی بروجردی حضور پیدا کرده و در سال 1325 به محضر حاج میرزا علی آقا شیرازی تشرف یافت. شهید مطهری در سال 1329 در جلسه درس علامه طباطبایی شرکت جست. این استاد فرزانه بعد از تکمیل تحصیلات خویش در سن 33 سالگی و در سال 1331 به تهران هجرت نمود و بعد از دو سال اقامت در تهران به تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران مشغول شد. در سال 1334 با مجامع اسلامی و کانون های مذهبی همکاری نمود و ایراد سخنرانی های علمی و نگارش کتاب را در متن برنامه های خود گنجانید.

آیت الله مطهری در 15 خرداد 1342 به جرم شرکت در نهضت اسلامی ایران دستگیر و به زندان شهربانی انتقال یافت. او در سال 1343 به صلاحدید و امر حضرت امام خمینی با جمعیت های مؤتلفه اسلامی به همکاری پرداخت. این متفکر دور اندیش در سال 1346 برای انسجام بخشیدن به فعالیت های فرهنگی خود با کمک چند تن از یاران صمیمی خویش به تأسیس حسینیه ارشاد اقدام کرد.

در سال 1348 به جرم صدور اعلامه ای مبنی بر جمع آوری اعانه برای آوارگان فلسطینی از طرف رژیم شاه دستگیر و در سال 1354 از حضور بر منابر به دلیل سخنرانی های انقلابی ممنوع شد. در سال 1355 از دانشگاه الهیات کنار گرفت و در همان سال در نجف اشرف به محضر امام خمینی مشرف شد.

استاد مطهری برای تمرکز بخشیدن به فعالیت های روحانیت در سال 1356 جامعه روحانیت مبارز تهران را پایه گذاری نمود و بالاخره در سال 1357 ضمن سفر به پاریس مسئول تشکیل شورای انقلاب اسلامی از طرف امام خمینی «ره» گردید. این استاد فرزانه بعد از 60 سال عمر با برکت و سراسر افتخار در 11 اردیبهشت سال 1358 به دست گروه فرقان به درجه رفیع شهادت نایل گردید. در این فرصت نگاهی به ویژگی های اخلاقی این بزرگمرد تاریخ معاصر می اندازیم:

تهجد و تعبّد

خلوت های عارفانه و عبادت های عاشقانه، یکی از مهم ترین عوامل موفقیت در زندگی یک انسان مسلمان می باشد. اقامه نماز شب و به یاد خدا بودن در تمام مراحل زندگی، انسان را در تحصیل علم، حل مشکلات و کسب اخلاص و تهذیب نفس یاری نموده و به سوی کمال سوق می دهد. اگر یک مسلمان از لذت های مادی کاسته و به لذّت های عمیق معنوی روی آورد از آرامش روحی و روانی برخوردار شده و با اراده ای استوار در مقابل امواج مشکلات و سختی های زندگی سربلند و موفق بیرون خواهد آمد.

استاد مطهری آن چنان از لذّت های معنوی سحر سرمست می شد که ندای نماز شب وی دیگران را نیز متأثر می ساخت. حضرت آیت اللّه خامنه ای در این مورد می فرماید: مرحوم مطهری یک مرد اهل عبادت، اهل تزکیه اخلاق و روح بود. من فراموش نمی کنم ایشان وقتی مشهد می آمد، خیلی از اوقات به منزل ما وارد می شد، گاهی هم ورودشان در منزل خویشاوندان همسرشان بود. هر شبی که ما با مطهری بودیم، این مرد نیمه شب تهجدِ با آه و ناله داشت. یعنی نماز شب می خواند و گریه می کرد، به طوری که صدای گریه و مناجات او افراد را از خواب بیدار می کرد... بله، ایشان نصف شب نماز شب می خواند، همراه با گریه، با صدایی که از آن اتاق می شد آن را شنید!... هر شب قبل از این که بخوابد گاهی در رختخواب و گاهی هم قبل از ورود به رختخواب قرآن می خواند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ

از یمن دعای شب و ورد سحری بود

تواضع

تواضع یکی از خصلت های زیبای انسانی است. خداوند متعال در کلام وحی فروتنی را یکی از نشانه های بندگان شایسته و صالح شمرده است. شهید مطهری که یکی از این بندگان کمال یافته الهی است، در طول زندگی پر بارش خود را به این صفت زیبای انسانی آراسته بود.

در این جا به عنوان نمونه، خاطره ای را از تواضع ایشان که خود نقل کرده است، مرور می کنیم:

در دانشگاه شیراز از من دعوت کرده بودند برای سخنرانی، در آن جا اساتید و حتی رئیس دانشگاه هم بودند؛ یکی از اساتید آن جا که قبلاً طلبه بود و بعدا رفت آمریکا تحصیل کرد و دکتر شد و آمد و واقعا هم مرد فاضلی هست، مأمور شده بود که مرا معرفی کند.

آمد پشت تریبون ایستاد. جلسه هم خیلی پر جمعیت و با عظمت بود، یک مقدار معرّفی کرد: «من فلانی را می شناسم، حوزه قم چنین، حوزه قم چنان و...» بعد در آخر سخنانش این جمله را گفت: «من این جمله را با کمال جرئت می گویم، اگر برای دیگران لباس روحانیت افتخار است، فلانی افتخار لباس روحانیت است».

آتش گرفتم از این حرف. ایستاده سخنرانی می کردم، عبایم را هم قبلاً تا می کردم و روی تریبون می گذاشتم، مقداری حرف زدم، رو کردم به آن شخص، گفتم: آقای فلان! این چه حرفی بود که از دهانت بیرون آمد؟! تو اصلاً می فهمی چه داری می گویی؟! من چه کسی هستم که تو می گویی فلانی افتخار این لباس است. با این که من آن وقت دانشگاهی هم بودم و به اصطلاح ذو حیاتین بودم، گفتم: آقا من در تمام عمرم یک افتخار بیشتر ندارم، آن هم همین عمامه و عباست. من کی ام که افتخار باشم؟... ما را اگر اسلام بپذیرد که اسلام افتخار ما باشد؛ اسلام اگر بپذیرد که به صورت مدالی بر سینه ما باشد، خیلی هم ممنون خواهیم شد، ما شدیم مدالی بر سینه اسلام؟!.

غیرت و حساسیت دینی

نگاهی گذرا به آثار و گفته های مرحوم مطهری غیرت دینی و حساسیت او را در مسائل اسلامی بر ما روشن می کند. او در تمام لحظات زندگی اش خود را موظف می دانست که از کیان اسلام دفاع کند.

الف) حساسیت در عرصه های فرهنگی

آیت اللّه شیخ ابوالقاسم خزعلی می گوید: ایشان از نوشته های منحرفانه ای که به نام اسلام نشر می یافت، رنج می بردند. در ایّامی که حکم تبعید مرا صادر کرده بودند و من در گوشه ای از کوی کن مخفی شده بودم، ایشان مرا پیدا کردند و به آن جا آمدند و با بزرگواری در آن ایّام سخت اظهار محبّت کردند. به ایشان گفتم: «چه می نویسید؟» گفتند: درباره بعضی از مطالب غرب زده ها که به نام اسلام نشر می دهند. گفتم: «من در این باره چیزی یافته ام». با عطش عجیبی سراغ آن را گرفتند. کتاب را به ایشان دادم و با اشتیاق آنرا گرفتند. بعد گفتم: «استاد! اگر عیب هایی دارند که می نویسید، هنری را هم که دارند بنویسید تا بدانند منصفید و خیال نکنند که مهاجمید».

گفتند: بنای من است که اگر هنری هم دارند بنویسم، ولی به اسلام دارد حمله می شود، به اسلام دارند ضربه می زنند؛ به نام اسلام دارد مطالبی گفته می شود که بر خلاف اسلام است.

ب) حمایت از فدائیان اسلام

حمایت و هماهنگی استاد مطهری با فدائیان اسلام یکی دیگر از نمونه های غیرت دینی اوست؛ چرا که فدائیان اسلام تبلور غیرت دینی در عصر رواج فحشا و بی بند و باری در رژیم پهلوی بودند.

نویسنده محقق آقای دوانی که از نزدیک با روحیات استاد مطهری آشنا بوده است، می گوید: «شهید مطهری با فدائیان اسلام و افکارشان هماهنگ بود. بارها از شهید نواب شنیدم که با احترام از آقای مطهری یاد می کرد و از احوال او جویا می شد. استاد مطهری که گاهی در جلسات فدائیان اسلام شرکت می کرد، در بعضی از جلسات خطاب به نواب می فرمود:

«در حسن نیت و شور دینی و پاکی هدف شما و رفقایتان شکی نیست». ایشان در ادامه می گوید: تا آن جا که به یاد دارم، شهید مطهری تا آخر هم به یاد فدائیان بود.

ج) تذکر مستقیم

آقای هادی جوان می گوید: استاد مطهری در سال 1349 در تالار دانشکده پزشکی دانشگاه مشهد، تحت عنوان «اسلام و مقتضیات زمان» سخنرانی داشتند. بنده نیز در آن جلسه حضور داشتم. چند تن از دانشجویان دختر، بدون حجاب در آن سخنرانی شرکت کرده بودند. مرحوم استاد مطهری به محض دیدن آن صحنه، بسیار ناراحت شدند و گفتند: «من در تهران به آقای دکتر رامیار گفته بودم که اگر قرار باشد سخنران جلسه من باشم، باید وضع از این بهتر باشد، این چه وضعی است که این جا دارد؟».

د) اقدامات عملی

دکتر علی مطهری در رابطه با حساسیت شدید استاد مطهری نسبت به گروه های مخالف و ضد اسلامی می گوید: «در راهپیمایی عظیم عاشورای سال 57 تهران، در بین راهپیمایان، مینی بوسی حرکت می کرد، که در بالای آن رهبر گروه فرقان و یکی از اعضای برجسته سازمان مجاهدین خلق (منافقین) که هر دو لباس روحانیت بر تن داشتند، مشغول تشریح آرم سازمان مجاهدین خلق برای مردم بودند. عده ای از افراد آگاه و بیدار، موضوع را به اطلاع چند تن از روحانیون رساندند. آن ها از مداخله منع کردند و گفتند: در این شرایط صلاح نیست درگیری ایجاد شود. سرانجام موضوع را به اطلاع استاد شهید رساندند، ایشان با صراحت گفتند:

«به هر قیمتی شده باید این آرم را پائین بیاورید، اینها برای آینده برنامه های خطرناکی دارند.»

اخلاص

استاد مطهری سراپا در عشق به اسلام و دفاع از ارزش های اسلامی می سوخت. او قبل از این که عالم یا معلم خوبی باشد، انسانی معتقد، با ایمان و با تقوا بود. اعمال و رفتار وی دقیقا مصداق کامل «اِنَّ صَلاتی وَ نُسُکی وَ مَحْیایَ وَ مَماتی لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ»؛ «نماز و تمام عبادات من، و زندگی و مرگ من همه برای پروردگار جهانیان است»، بود.

شهید مطهری چون تمام کارهایش را برای خدا انجام می داد، هیچ گاه به دنبال شهرت نبود.

فرزند ایشان در مورد اخلاص استاد مطهری می گوید: «عنوان همیشگی نویسنده بر روی کتاب هایشان «مرتضی مطهری» بود و اجازه نمی دادند کلمه هایی مثل استاد و غیره قبل از اسمشان آورده شود.»

از شهرت به شدت پرهیز داشتند. با این که تشکیل دهنده هسته مرکزی شورای انقلاب بودند، در روزنامه ها چندان نامی از ایشان آورده نمی شد، و وقتی از ایشان می پرسیدیم که: چرا اسمی از شما نیست و از اکثریت دست اندرکاران انقلاب کم و بیش نامی هست؟

ایشان می گفتند: من کاری را که باید انجام بدهم، انجام می دهم. هر چه نامم کمتر مطرح شود، آسوده ترم. سعی من بر این است که در غیر موارد ضروری در اجتماعات عمومی مطرح نشوم.

نکات آموزنده

در این بخش 12 ویژگی از رفتار شهید مطهری را که می تواند به عنوان دستور العملی سازنده برای اهل ایمان و معنویت و دانش و مشعلی راه گشا برای هدایت افراد قرار گیرد، از زبان نزدیکان و آشنایان آن شهید نقل می کنیم:

1. همیشه با وضو بود و به این کار توصیه می کرد؛

2. به طبیعت علاقه شدیدی داشت و گاه ساعت ها در نقاط با صفا می نشست و فکر می کرد؛

3. همیشه نماز شب را به پا می داشت و به این خاطر شب ها زودتر می خوابید؛

4. در موقع بیان مطالب علمی آن چنان تمرکز حواس داشت که از اطراف غافل می شد؛

5. شب ها قبل از خواب 20 دقیقه قرآن می خواند؛

6. در مورد انجام فرائض دینی فرزندانش نظارت دقیق داشت؛

7. به فقرا و مستمندان کمک می کرد، به طوری که برخی مواردِ آن بعد از شهادتش آشکار شد؛

8. مطالب قابل توجه را در فرصت های مناسب و به طور منظم یادداشت می کرد؛

9. در هنگام روضه برای سید الشهداء (علیه السلام) و مناجات های شبانه صدای گریه اش بلند می شد؛

10. او آن چنان به خداوند ایمان داشت، که در شرایط سخت زندگی به امدادهای غیبی چشم دوخته و از خداوند مدد می خواست؛

11. برای پدر و مادر و اساتید خویش احترام وصف ناپذیری قایل بود؛

12. در امور عبادی، اجتماعی و سیاسی از تظاهر کردن به شدت پرهیز می کرد.

نسیم عطرآگین شهادت

استاد مطهری سه شب قبل از شهادت خویش، رؤیای صادقانه ای داشته و بشارت عطر آگین شهادت را از آن استشمام نموده بود. آن شهید وارسته داستان رؤیای معنوی اش را بعد از بیداری در همان شب چنین بازگو نمود: در خواب دیدم که من و آقای خمینی در خانه کعبه مشغول طواف بودیم، که ناگهان متوجه شدم حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به سرعت به من نزدیک می شوند. همین طور که حضرت نزدیک می شدند، برای این که به آقای خمینی بی احترامی نکرده باشم، خود را کنار کشیدم و به آقای خمینی اشاره کردم و گفتم: «یا رسول اللّه! آقا از اولاد شمایند. حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به آقای خمینی نزدیک شدند، با ایشان روبوسی کردند و بعد به من نزدیک شدند و با من روبوسی کردند. بعد لب هایشان را بر روی لب های من گذاشتند و دیگر بر نداشتند و من از شدت شعف از خواب پریدم، به طوری که داغی لب های حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) را بر روی لب هایم حس می کنم.»

ایشان بعد از کمی سکوت ادامه داد:

«من مطمئنم که به زودی اتفاق مهمّی برای من رخ می دهد.»

سخن در مورد صفات پسندیده و والای آن شهید عزیز بسیار است و در این مجال نمی گنجد و ما این نوشته را با کلامی از حضرت امام خمینی «ره» درباره استاد مطهری به پایان می بریم:

«او در عمر کوتاه خود اثرات جاویدی به یادگار گذاشت، که پرتوی از وجدان بیدار و روح سرشار از عشق به مکتب بود.» و در فرازی دیگر فرمود: «مطهری که در طهارت روح و قوت ایمان و قدرت بیان کم نظیر بود، رفت و به ملأ اعلی پیوست، لکن بدخواهان بدانند که با رفتن او شخصیت اسلامی و علمی و فلسفی اش نمی رود.»

پی نوشت ها:

1. سرگذشت های ویژه، ص 88.

2. حماسه حسینی، ج 2، صص 288 - 290.

3. پاره ای از خورشید، ص 297.

4. همان، ص 307.

5. همان، ص 172.

6. همان، صص 117 و 118.

7. همان، ص 144.

8. لمعاتی از شیخ شهید، ص 48، با تلخیص.

9. پاره ای از خورشید، ص 106.

10و11. لمعاتی از شیخ شهید، ص 9.